



شهید قاسم سلیمانی

شهید سیدحسن نصرالله

شهید ابوهدی العبدین

شهید مصطفی چمران

شهید اوداردو آنبلی

شهید حسن شاطری

شهید حسن طهرانی مقدم

شهید حسین همدانی

شهید محسن فخری‌زاده

شهید صیاد شیرازی

شهید محسن حججی

شهید سیدمحمدباقر حکیم

شهید عداد مغنیه

شیخ ابراهیم یزکزکی

دکتر رمضان عبدالله

سربرار ابراهیم محمدزاده

همان‌طور که در بخش اول این مطلب نیز اشاره شده بود؛ در دو بخش قبلی و ایضاً مطلب پیش‌رو (بخش پایانی) به مرور اجمالی مجموعه‌ای از پرسش‌ و پاسخ‌ها و یا مواجهه‌های دانشجویان و نوقلمان و راویان جوان با نگراندۀ در خصوص «تاریخ شفاهی دفاع مقدس» و -مسوادر مرتبط با- این مقوله پراهمیت پرداخته شده که گاهی در سخنرانی‌ها و یا محافل مختلف و یا محیط دانشگاهی به آن‌ها به فراخور موضوع و محیط و فرصت و امکان پاسخ لازم داده شده و در این فرصت نیز- به ضرورت انتقال این تجربه - برای تقویت و آسیب‌شناسی عرصه پرمخاطره تاریخ شفاهی- آن مواجهه‌ها یا رویکرد علمی تبدیل به متن شده‌اند؛ چرا که با توجه به رخدادهای متنوع و گسترده جنگ‌های ۱۲ روزه و چهل‌روزه و مابعد آن، این روزها پرداختن به موضوعاتی مثل (تاریخ شفاهی،

تاریخی پیوند بخشورد؛ از این جهت حتی رنگ و طرح جلد و تصاویر به‌کار گرفته‌شده حتماً باید مورد توجه مؤلف و ناشر قرار بگیرد تا بتوان حداقل حس نوستالژیک و بوی تاریخی بودن را برای مخاطب به‌وجود آورد. مسلّم است که ظاهر وجودی اثر مکتوبی مثل کتاب باید تابع جذابیت‌های بصری و مفهومی باشد و در حوزه صفحه‌آرایی داخلی کتاب می‌تواند عرصه هنرنمایی و مفهوم‌شناسی باشد.

به‌تازگی در عرصه نشر و در صفحه‌شناسنامه کتب مختلف شاهد واژه جدید و شخصیت آثار گذاری به نام «گرافیکال» هستیم که به لحاظ مدیریت ظاهری اثر و موتیف‌هایی که روی جلد و صفحات داخلی به‌کار می‌روند برای هدایت و رفع خستگی خواننده بسیار مفید و مؤثر است.

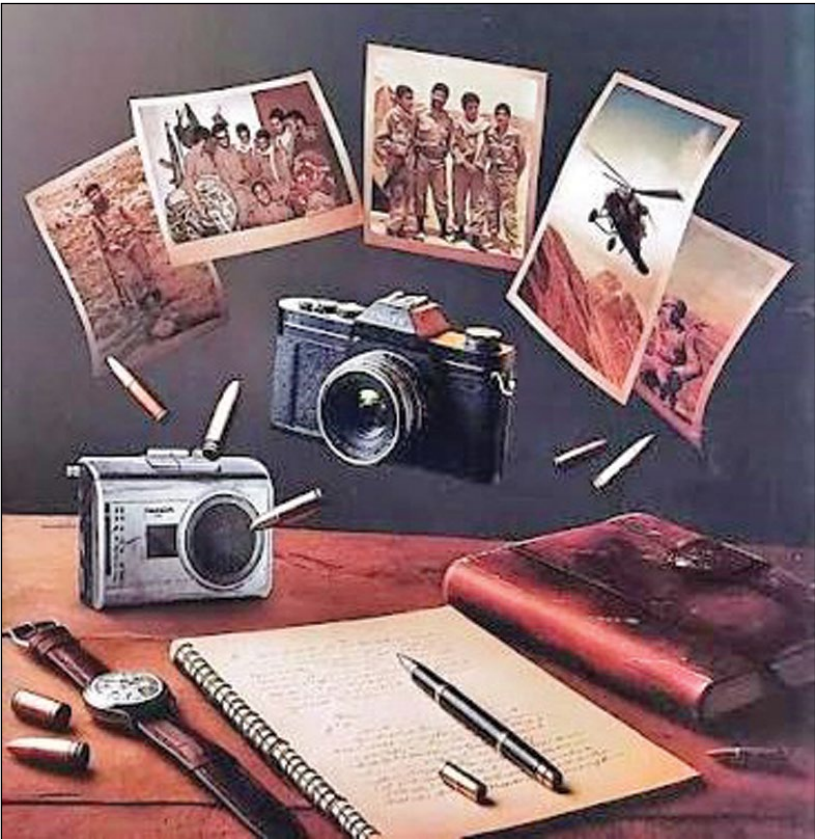
مؤتلف در رشتنه‌های هنر و طراحی و گرافیک به کوچک‌ترین عنصر تکرار‌شونده، که با تکرار خود

عزیزالله محمدی (امتدادجو)

تاریخ شفاهی؛ علم یا ابزار علم؟

یافت با یک الگو می‌سازد گفته می‌شود و در نویسندگی یک تکنیک ادبی است که از یک عنصر تکراری اهمیت نمادین خلق می‌کند و سعی دارد در مرحله اول حالت فکری یا احساسی را برانگیزد و سپس با روشن ساختن موضوعات اصلی، گزینه مخاطب را درگیر و مفاهیم نمادین منحصربه‌فردی را از طریق تکرار به‌وجود آورد و نمونه‌ای از ایده‌های مختلف را خلق کند.

توجه به اقتضائات از جمله ذائقه مخاطب و تکنولوژی و بسسترها لازمۀ وسعت و شعاع انتشار یک اثر چه به‌صورت فیزیکی و چه به‌صورت معنایی و مفهومی و اثر گذاری است که امروزه با توجه به گسترش فضای مجازی و حوزه دیجیتال اقبال از کتسب فیزیکی روزبه‌روز در حال کاهش است و بدیهی به نظر می‌آید که وقتی مخاطب کتابی را در این وضعیت خریداری می‌کند یک مخاطب جدی و حرفه‌ای است که قطعاً می‌خواهد آن کتاب را لااقل تا مدت‌های زیادی داشته باشد؛ لذا به امر نگهداری



سنجه‌ها و ظواهر

تاریخ شفاهی به‌عنوان یک ماهیت و وجودیت بین‌رشته‌ای دارای صلاحیت‌های سنجه‌ای است که بر اساس آثار موفق و منشورهای موجود می‌تواند قایل ارزش‌گذاری و تعیین سطح شود.

به‌طور مثال با در نظر گرفتن تقسیم‌بندی‌های مفاهیم به‌کارگرفته‌شده و یا چگونگی تدوین (مشترک یا جداگانه) و صورت ظاهری از قبیل صفحه‌آرایی و طرح جلد و... که سهمی را به ناشران تحت عنوان کتاب‌ساز هم اختصاص می‌دهند می‌توانند در معرض نقد قرار بگیرند.
به بررسی کتب آموزشی در سطوح مختلف تحصیلی به‌وضوح شاهد هستیم که ما متون درسی و متون آموزشی در حوزه تاریخ شفاهی و خاطره‌نگاری کم داریم و با توجه به اینکه نظریات کارشناسی گویای آن است که تاریخ شفاهی یک موضوع علمی و دارای پتانسیل استقلال رشتاهی است، نیاز جدی احساس می‌شود که هر مؤلف و پدیدآورنده‌ای در این زمینه همت داشته و رغبت کند تا با تألیف ارزنده، شرایط امکان‌سنجی برای اثربخشی تاریخ شفاهی در سبتر آموزش پایه‌ای یا دانشگاهی را فراهم نماید.

با این توصیف و با در نظر گرفتن عدم توجه محیط‌ها و نهادهای علمی و پرورشی، مثل دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش می‌توان مراحل امکان‌سنجی برای بازنگری در نقد آثار را بعد از نشر فضای دیجیتال مجدداً مورد توجه قرار داد و دقیقاً به دلیل عدم توجه نهادهای آموزشی به اهمیت این موضوع، ناشران این حوزه را بیشتر مورد اکرام و تقدیر قرار داد و انگیزه‌های اقتصادی در صنعت نشر را برای آن‌ها افزایش داد.

به‌رغم تعریف ظاهر تاریخ شفاهی، این عرصه مخاطبان تعریف‌شده‌ای دارد که همین موضوع باعث می‌شود-تا تاامالت و مکتب جدی حتی در گرافیک و طرح جلد و چیدمان شکلی آثار به‌وجود بیاید.

همان‌طور که پیش از این و در بخش اول این مطلب نیز تا حدود اجمالی اشاره شده بود، این تأمل و مکت سبب می‌شود که مخاطب صرفاً اثر منتشرشده را به‌عنوان یک کار سفارشی و خدمات چاپ نبیند و با مکتبی روی آن به مفاهیم و مضامین

یک بافت یا یک الگو می‌سازد گفته می‌شود و در نویسندگی یک تکنیک ادبی است که از یک عنصر تکراری اهمیت نمادین خلق می‌کند و سعی دارد در مرحله اول حالت فکری یا احساسی را برانگیزد و سپس با روشن ساختن موضوعات اصلی، گزینه مخاطب را درگیر و مفاهیم نمادین منحصربه‌فردی را از طریق تکرار به‌وجود آورد و نمونه‌ای از ایده‌های مختلف را خلق کند.

تدوین، تنها با بسندگی به ارائه مفاهیم و ایجاد فرم در پشت ساخت تعادل سنگر گرفت و اثر را در اختیار مخاطبی قرار داد که فقط مقداری مفهوم و تعاریف را در شکلی از فرمالیستی بودن دریافت کرده، درحالی‌که اثر کاملاً از آن تعاریف کلی‌بواژه‌های اصلی مربوط به تاریخ شفاهی خارج است.

در چنین موقعیتی مؤلف ترجیح خود را روی ارجاعات فرامتنی و فرامفهومسی قرار می‌دهد و مخاطب را به خسارح از مجموعه پیش‌رو دعوت می‌کند که قطعاً دوگانگی و یا چندگانگی مواجهه با اثر را به همراه دارد. با شرایط حاضر به‌طور مسلم یک بحث کاملاً یا نسبتباً جامعی از تاریخ اندیشه و پیش‌نیازهای سخت‌گیرانه برای درک هر مطلب به موضوعی در خصوص مفاهیم به‌کارگرفته‌شده اثر به‌وجود می‌آید؛ یعنی داشته‌های متنی مطالب مفیدی هستند ولی من مخاطب در قالب موضوعی اصلی کتاب آن را نمی‌بینم و ترجیح می‌دهم این‌ها را جای دیگری بخوانم.

تاریخ و پیش‌نیازهای اندیشه

اگر ما همین سخت‌گیری‌هایی که در خصوص آفرینش ادبی و هنری گفتمین را داشته باشیم در ادامه باز یک بحث نسبتباً جامعی راجع به تاریخ اندیشه و پیش‌نیازهای اندیشه پیش می‌آید که شاید در مسیر دقیق تاریخ شفاهی قرار نگرفته است. البته توجه به این موضوع یک بحث مستقل است، یعنی آنچه که ذیل عنوان تاریخ اندیشه و یا پیش‌نیازی برای یک مصاحبه تاریخ شفاهی انجام می‌پذیرد باید در قالب یک اندیشه سیال با شناخت بر نکات آموزشی روایت راوی باشد تا محتوایی با مفاهیم اصلی تولید شود؛ محتوایی که می‌تواند با اثبات وجودی خود به ترمیم تاریخ و یا پدیده‌های آسیب‌پذیر کمک کند.

نظام‌نامه و اخلاقیات

هویت یک اثر تاریخی به صداقت و تأیید خود اثر و عوامل مؤثر بر تولید اثر- از جمله روایت و منابع و مستندات متکی است که تصدیق آن‌ها در یک چارچوب خاصی از مباحث حقوقی تحت عنوان نظام‌نامه پیش برود؛ وگرنه به لحاظ اخلاسی گرچه به دلیل آنکه آخرین قوانین در حدود سال‌های ۱۳۳۳ یا ۱۳۳۴ بوده؛ کماکان خلأ نظام‌نامه استاندارد حقوقی برای مصنفان و مؤلفان احساس می‌شود؛ اما به هر حال باید مدنظر داشت که به‌رغم آنکه این خلأ قانونی و حقوقی احساس می‌شود ولی وابستگی‌ها و اعتقادات اخلاقی عرفی و شرعی وجود دارند که به پشته‌واله این بنیه اخلاقی باید- هر مؤلف و یا تولیدکننده اثر از این نظام‌نامه ناونشته در چارچوب اخلاق تبعیت داشته باشد و هر آنچه حقوق خاصه آشکار و پنهان راوی و راویان و مستندات است مورد توجه قرار بگیرد.

پدیدآورندگان آثار تاریخ شفاهی اگر به این نکته فوق‌العاده مهم (نظام‌نامه اخلاقی) توجه داشته باشند؛ باید در ابتدا برای خود یک مانیفست و دستورالعمل اخلاقی- رفتاری داشته و خودشان اولین ممیز برای آنچه که پدید می‌آورند باشند تا بدین‌وسيله مفاهیم تولیدی مؤثر و تقویت شوند.

تاریخ شفاهی علم یا ابزار علم؟

دنبال کردن فرآیند انجام کار تاریخ شفاهی به‌منتهای یک ابزار و تاریخ شفاهی همانند تحقیق در حوزه فرهنگ یا تاریخ می‌تواند اثر تولیدی را

به اعتباری فراتر- از تصور معمول و در قالب یک کار علمی نمایش دهد تا بدین‌وسيله مؤلف را در مقابل انتقادهایی که مبنی بر کار علمی یا کار علمی‌وارد می‌شود را نجات دهد و فارغ از اینکه آیا تاریخ شفاهی باید هست یا نیست و جدای از کشمکش‌های معمول آن را روشی مفید و مؤثر برای تولید اثر در سطح کلان بدانیم که مفاهیم کاربردی و آموزشی را منتقل می‌کند.

آموزش، مصاحبه و استخراج مفاهیم

مصاحبه، به‌عنوان ستون و یا رکن اصلی مثل یک دره و یا ورطه است که باید- از آن مفاهیم استخراج شوند و بنیاد تبدیل به تله و دام شود؛ بلکه مفاهیم کاربردی و عملیاتی و آموزشی جهت ساخت تاریخ شفاهی باید مورد توجه قرار بگیرد و گزیدنویسی و دیالکتیک‌سازی گذرا نیز می‌تواند به‌عنوان یک عنصر و روش مؤثر برای تدوین نهایی اثر کمک کند.

در بعضی آثار تاریخ شفاهی که به حوزه نظری تاریخ شفاهی می‌پردازند دیده می‌شود که عدم تمرکز بر روی موضوع واحد وجود دارد و دغدغه مؤلف دقیقاً در چارچوب تعیین‌شده «وحدت موضوع» سیر نمی‌کند.

در مواجهه با چنین تألیفاتی می‌توان گفت که

امتناع راویان غلبه کنیم؟ چگونه مسیر منطقی سؤالات را پیش ببریم چگونه از حریم خصوصی دور یا نزدیک شویم.

امروزه در فلان استان ما ممکن است هشتاد درصد لهجه و گویش کامل کنار گذاشته شود و تعاریف محلی، بومی، اقلیمی، عرفی منطقه‌ای داشته باشد؛ لذا مسیر برای شکل گیری و تدوام این بومیته‌ها در روایت باز است و در آینده نیز کارکرد خواهد داشت؛ چون در ابزار و روش مؤثر و مفید بودن آن تردیدی نیست.

آینده تاریخ شفاهی

الزام به تربیت محقق توانمند و مصاحبه‌کننده قوی و سرمایه‌گذاری در این حوزه با ظهور و بروز مصاحبه‌کننده، محقق و مورخ، سرنوشت تاریخ شفاهی را بیشتر می‌تواند تعیین کند؛ وگرنه اگر نورسیدگان بی‌حساب-و کتاب در این عرصه میدان‌داری کنند گرچه بخش زیادی از خاطرات را ثبت خواهند کرد و خاطره‌گیری اتفاق خواهد افتاد؛ اما با استانداردها فاصله خواهد داشت.

اگر ما استانداردهای تاریخ شفاهی را پرورش دهیم و انسان‌های قابل، متخصص و توانمند در کنار تجربه، دانش و تخصص راوی قرار بگیرند؛ به اتفاق و اتحاد و اشتراک گفت‌وگوی چالشی عمیق، برای ما سند خلق می‌کنند و به این ترتیب آینده تاریخ شفاهی روشن و محفوظ خواهد بود.

باید به این موضوع دقت نظر داشت که تاریخ شفاهی بازی نیست که انتهایش برد و باخت داشته باشد، یعنی اگر می‌خواهیم کار را شروع کنیم نگران باشیم- که مورد اقبال واقع خواهد شد یا اقبال به آن کم خواهد بود. آنچه مهم است این است که روش تاریخ شفاهی را باید دقیق و درست به‌کار

هر کدام از این‌ها از زاویه دید خودشان آن واقعه و آن رویداد را می‌گویند و این کار سختی بسیار است و دقیقاً یک حامی و اسپانسر می‌خواهد که حمایتگر مطلع و پرحوصله‌ای باشد. شاید این پروژه پنج یا ده سال طول بکشد؛ اما بدون تعارف باید گفت که مدیریت موتف یک سازمان فرهنگی هنری یا تاریخی که پایان سال باید کارنامه و بیلان بدهد حوصله ندارد این همه مدت پای پروژه بایستند، درحالی‌که حتی در بعضی از سازمان‌های متولی در خوش‌بینانه‌ترین حالت با تغییر دولت‌ها کلاً همه چیز به نقطه پیش از آغاز بازمی‌گردد.

در چنین شرایطی مسلم است که برای تولید اثر تاریخی مدیریت‌های باثبات فراچنانچی لازم است تا به منافع ملی و منافع اصیل کشور بیندیشند و نگاهشان به آینده نگاه دقیق و درستی باشد و نه نگاه روزمرگی.

بسیار دیده شده است که مدبری کارهای کوتاه و زودبازده می‌خواهد و با تعیین مسئول اجرای پروژه گفته می‌شود که «برو خاطرات را جمع‌آوری کن و تاریخ شفاهی را بگیر چون ما آن را برای دهه فخر می‌خواهیم چاپ کنیم» یعنی دقیقاً پایان زمان پروژه را هم مشخص می‌کند که مجری که همان مؤلف، نویسنده و یا محقق و پژوهشگر است باید این کار را انجام بدهد؛ چرا که به‌اصطلاح این کار باید در فلان تاریخ رونمایی شود.

بسیار اتفاق افتاده است که به‌خاطر اینکه سهمیه کاغذ تعلق بگیرد پروژه‌های مختلف تعریف می‌شود و روی هر کدام اسم یک نفر قرار می‌گیرد و به تعداد سهمیه کاغذ، محقق می‌آورند تا تاریخ شفاهی کار کند که تا تاریخ معین برای رونمایی آماده شود.

صفحه ۱۰

یکشنبه ۱۰ آبان ۱۴۰۵

۲۱ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ - شماره ۲۴۲۷۵



سربرار ابراهیم محمدزاده

دکتر رمضان عبدالله

شیخ ابراهیم یزکزکی

شهید عداد مغنیه

شهید سیدمحمدباقر حکیم

شهید محسن حججی

شهید صیاد شیرازی

شهید محسن فخری‌زاده

شهید حسین همدانی

شهید حسن طهرانی مقدم

شهید حسن شاطری

شهید اوداردو آنبلی

شهید مصطفی چمران

شهید ابوهدی العبدین

شهید سیدحسن نصرالله

شهید قاسم سلیمانی

محقق و یا مصاحبه‌گر، چون ما داریم از ذهن آن راوی استخراج می‌کنیم و بنا هست که بیان او تبدیل به بسند شود. بر همین اساس گاهی دیده می‌شود که وقتی یکی از نزدیکان و اقوام یک راوی وقتی می‌روند برای مصاحبه این آسیب وجود دارد. با این توصیف و در شرایط اجبار اگر یک آشنا یا نزدیکیانی می‌خواهند وارد مصاحبه با یک راوی شوند باید ذهن خود را خالی از دانسته‌های خود کنند و تمام مواردی را هم که می‌دانند را بپرسند و حتی تمام چیزهایی که تا حالا جرئت نشده در مورد آن‌ها پرسش شود و به‌اصطلاح تمام سؤال‌های قورت‌دهنده‌ها را هم باید پرسید.

در واقع در مصاحبه‌های تاریخ شفاهی تقریباً یک نیم‌دایره ۱۸۰ درجه‌ای وجود دارد؛ اما در رسانه محدود است و نهانپاتی‌سی‌الی چهل درجه و امکان پرسش چندوجهی و همه‌جانبه و با جزئیات وجود ندارد و قطعاً مقابل دوربین و در پخش زنده این میزان به پانزده درجه کاهش و ملاحظات افزایش پیدا می‌کند.

بر همین اساس می‌توان گفت به‌طور کلی رابطه معکوسی بین جزئیات یک مصاحبه تاریخ شفاهی با مصاحبه رسانه‌ای وجود دارد.

شخصیت راوی و انواع مصاحبه

برای مصاحبه‌گیر و یا محقق حرفه‌ای همان جلسه اول با توجه به تجارب و آموزش‌هایی که داشته شخصیت راوی نمایان می‌شود و او می‌تواند برای ادامه مصاحبه خود را ادامه کند و با اتخاذ جنبه تربیتی و سبزیالی برای شکل‌گیری روایت می‌تواند مسیر معین و مشخصی را پیش روی راوی نیز قرار بدهد.



اصولاً باید مصاحبه‌ها را تقسیم‌بندی کرد. به این معنا که ما مصاحبه‌ها را تقسیم‌بندی می‌کنیم به «مصاحبه تک‌جلسه‌ای» که در آن یک نفر اطلاعات محدودی راجع به شخصی یا موضوعی دارد و به ضرورت یک بار برای همیشه می‌خواهیم با یک راوی روبه‌رو شویم. نوع دیگری از «مصاحبه سریالی» است که چندین جلسه باید مقابل یک راوی نشست و زمان‌بندی و پایان این نوع گفت‌وگو کاملاً با ویژگی‌های این دو از هم تفکیک و در مراحل آموزش و حتی درس‌نامه‌های آموزشی احتمالی مورد توجه قرار بگیرد.

به‌طور مشخص یک نکته‌خاصی در مصاحبه‌ها داریم که حتی آن را در جلسات نقد و بررسی نیز می‌توانیم ریشه‌یابی کنیم. آن نکته این است که انسان ایرانی، یا حداقل یک راوی به‌جای تعریف و روایت معمولاً تحلیل می‌کند و این مورد به‌طور معمول روند مصاحبه و حتی ماهیت روایت و بعدها تنظیم و تدوین را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

سؤالی که در چنین وضعیتی مطرح می‌شود آن است که تکلیف ما به‌عنوان یک عامل اخذ روایت چیست؟ لذا به‌طور قطع یک محقق یا مصاحبه‌گیر باید با دانستن این پیش‌فرض که حتماً تحلیل نیز وارد روایت خواهد شد تکلیف خود را قبل از اخذ مصاحبه معین کند و مشخصاً نسبت به نیاز یا عدم نیاز به تحلیل تصمیم بگیرد؛ چرا که بعضی از راوی‌ها ممکن است در یک جلسه اصلاً یک خاطره هم نگویند و فقط به تحلیل بپردازند.

یک مصاحبه‌گر و محقق پیش از هر چیز باید بداند که بنا نیست مج‌گیری از راوی داشته باشد و یا اینکه با او وارد جدل و مناقشه و یا مناظره شود؛ مرحله بنا نیست راوی را به چالش صداقت بکشیم و یا مجادله و مناقشه کنیم؛ اما یکی دو تا سؤال ریزبردارانه، ریزنگرانه، جزئی‌نگرانه باید پرسیم تا حقیقت را بفهمیم؛ چون آدمی که در بطن اتفاقی نبوده یا آن را انجام نداده و کاری را رقم نزده نمی‌تواند جزئی‌نگرانه حرف بزند.

به‌طور مثال یک نفر وقتی می‌گوید شلیک کردم و هلی‌کوپتر دشمنم افتاد؛ نیاز به جزئیات روایت دارد اما اگر روایت او درست نباشد دیگر نمی‌تواند به پرسش‌های ریز و زحمت‌پاشخ بدهد.

دامنه و دایره پرسش

یک نکته‌ای که در بحث پرسشش باید حتماً تعیین تکلیف شود؛ دامنه و دایره پرسش است، که در تاریخ شفاهی تا کجا می‌توانیم بپرسیم، از کجا تا کجا می‌شود پرسید. آیا از تمام بدیهیات باید پرسد؟ یعنی مصاحبه‌گر باید بداند که جواب پرسش از کجا و چگونه و با چه شعاع روایی می‌آید.

به‌طور مثال حتی اگر علم به زادگاه راوی هست باید آن را زبان راوی خارج شود نه با تکیه بر علم تعیین تکلیف شود؛ دامنه و دایره پرسش است، که در تاریخ شفاهی تا کجا می‌توانیم بپرسیم، از کجا تا کجا می‌شود پرسید. آیا از تمام بدیهیات باید پرسد؟ یعنی مصاحبه‌گر باید بداند که جواب پرسش از کجا و چگونه و با چه شعاع روایی می‌آید. به‌طور مثال حتی اگر علم به زادگاه راوی هست باید آن را زبان راوی خارج شود نه با تکیه بر علم

